

شهر خلاق

تألیف:

چارلز لاندیری و فرانکو بیانچینی

ترجمه:

دکتر اصغر ضرابی

نساء خزاعی

فریاد پرهیز



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

سرشناسه : چارلز لندری؛ ۱۹۴۸ Charles Landry
عنوان و نام پدیدآور: شهر خلاق / مولفان Charles Landry و Franco Bianchini

ترجمان: اصغر رضایی، نسا خزایی،

فریاد پرهیز - مدیر تولید پژوهشگاه مهندسی بحرانهای طبیعی شاخص پژوه.

مشخصات نشر : اصفهان: نشر دارخوین ۱۳۹۳.

مشخصات ظاهری: ۶۰ ص

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۷۵۳۳-۵۷-۴

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت : عنوان اصلی: the creative city

موضوع : مدیریت شهر موضوع: بحالیت و نوآوری

شناسه افزوده : فرانکو بیانچینی؛ franco bianchini شناسه افزوده : رضایی، اصغر، ۱۳۲۸، مترجم

شناسه افزوده : خزایی، نسا، ۱۳۶۶، مترجم شناسه افزوده : پرهیز، فریاد، ۱۳۶۴، مترجم

شناسه افزوده : پژوهشگاه مهندسی بحرانهای طبیعی شاخص پژوه



تألیف: چارلز لندری و فرانکو بیانچینی

ترجمه: دکتر اصغر رضایی - نساء خزایی - فریاد پرهیز

نشر: انتشارات دارخوین

صفحه آرای/طرح جلد : واحد طراحی و گرافیک موسسه برای فردای شرق

قطع: رقعی / سال چاپ: ۱۳۹۳

نوبت چاپ: اول تعداد صفحه: ۹۰ ص

شمارگان / ۱۰۰۰ نسخه قیمت / ۶۰۰۰ تومان

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: موسسه برای فردای شرق

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۷۵۳۳-۵۷-۴

فهرست مطالب

۷	پیشگفتار.....
۹	مقدمه.....
۱۱	بحران‌های شهری و نقش خلاقیت در شهرها.....
۱۹	خلاقیت چیست؟.....
۱۹	خلاقیت به‌عنوان جایگزینی برای تفکر ابزاری.....
۲۱	خلاقیت ترکیبی.....
۲۲	رهایی از پیش پنداشته‌ایی در مورد خلاقیت.....
۲۴	خلاقیت و نوآوری.....
۲۴	خلاقیت زائیده ی موقعیت (شرایط).....
۲۶	پیامدهای عقلانیت ابزاری.....
۲۸	تفکر همه جانبه.....
۳۲	چطور می‌توان به یک شهر خلاق تبدیل شد؟.....
۳۲	از میان برداشتن موانع خلاقیت.....
۳۴	شالوده‌های اساسی جهت یک محیط خلاق.....
۴۲	چه کسی در حال خلاق شدن است و در کجا؟.....
۴۳	شکل دهی دوباره به شهر.....

- ۴۷..... زیباسازی شهری و پندارهای تئاتری
- ۴۹..... اتحاد قدیم و جدید
- ۵۳..... قابلیت پیاده‌روی
- ۵۴..... غلبه بر آب و هوا
- ۵۵..... مراکز نبوغ
- ۵۸..... ایده‌های جوانان
- ۶۱..... جایگاه کردن زمان
- ۶۴..... سبز کاری شهر
- ۶۷..... گذار از ضعف به قدرت
- ۷۱..... ایجاد نیرو از طریق کاتالیزورها
- ۷۳..... عنوان‌دهی
- ۷۴..... استفاده از فناوری برای ایجاد ارتباط
- ۷۶..... فراسوی تقسیم بندی دولتی - خصوصی
- ۷۹..... ایجاد خود اتکایی و مقابله با پیش‌داوری
- ۸۰..... امکان اظهار نظر دادن به افراد
- ۸۲..... حساب پیشرفت را داشتن
- ۸۲..... نتیجه‌گیری
- ۸۶..... منابع

پیشگفتار

وضعیت اقتصادی شهرهای بریتانیایی دچار یک بحران ساختاری و رکود شده‌اند. از سال ۱۹۹۰ این حقیقت به‌وضوح روشن شده است که بحران حتی از آنچه که فرض می‌کردیم عمیق‌تر گردیده است. این بحران نه تنها بر بخش‌های تولیدی تأثیر گذاشته و در طولانی مدت به شکل نقطه ضعف نمود پیدا کرده بلکه تمام بدنه‌ی خدمات تولیدی را نیز در بر می‌گرفت. به‌سختی می‌توان گفت که بخش‌هایی از اقتصاد شهری بتوانند به‌طور کامل از تهدیدهایی که رقابت خارجی و برون مرزی دارد، آزاد و جدا باشد. خدمات اقتصادی و نرم افزاری می‌تواند به همان میزان خدمات مهندسی به جنوب هند تا بخش‌هایی از دلتای رودخانه‌ی «پیرل» انتقال یابد. این حقیقت یک سؤال مهم را مطرح می‌نماید که اکنون چه چیزی، در صورت وجود، می‌تواند اساسی برای تجدید حیات اقتصاد شهری باشد.

یک پاسخ، حرکت به‌سوی بخشی وسیع‌تر از خدمات است. تا همین اواخر تصور بر این بود که قلمداد کردن فرهنگ، سرگرمی، ورزش و آموزش

به عنوان بخشی از اقتصاد مشکل است. تمام زمین و شهرها برای توسعه‌ی این جنبه اقتصاد به هم آمیخته شده است. پاسخ گسترده‌تر دیگر این است که همچنان که شهرها به دنبال حل مشکلات خود می‌گردند آن‌ها به پاسخ‌هایی می‌رسند که می‌توانند این پاسخ‌ها را به عنوان راه حل‌ها در نظر گرفت. موفقیت شهری مثل «گاریتیا» در برزیل که آخرین نوآوری و ابتکار در مورد این شهر مربوط به سال ۱۹۸۰ بود، تبدیل به یک الگو شد.

البته این دو راه حل منحصرأ تنها راه حل‌ها برای حل مشکلات شهری نیستند. شهرها، مناطق و ملل می‌توانند بیش از یک راه حل مبتکرانه ایجاد نمایند. آن‌ها می‌توانند ابتکارات فرهنگی و فناورانه و یا حتی ابتکارات شهرنشینی داشته باشند. هر سه روش می‌تواند مشاغل بالقوه‌ای ایجاد کند و منبعی برای صادرات واقعی باشد و این امر دلیلی بر اهمیت بیش از حد شهر خلاق است.

اثر حاضر به عنوان یکی از اولین مطالعات در زبان انگلیسی در این حوزه، وجود منابع متعددی از نوآوری و ابتکار را منعکس می‌کند. این مطالعات موردی برخی از سیاست‌های مبتکرانه بسیار مهم دنیای امروز را شرح می‌دهد. تحلیل‌های کلی این اثر بحث‌های متعددی را شامل می‌شود. در زمانی که فرضیه‌های موجود خسته کننده و قدیمی شده‌اند این کتاب راه‌های هوشمندانه و بسیار مهمی را برای حرکت به سمت جلو مهیا می‌سازد. این اثر مطمئناً ثابت می‌کند یکی از مطالعات اساسی و مکتب آفرین در سال ۱۹۹۰ بوده است.

مقدمه

این اثر کوتاه مفهوم شهر خلاق را بررسی می‌نماید. این کتاب عنوان می‌کند که چرا خلاقیت مهم‌ترین عامل برای شهرهاست؟ چرا عوامل محیطی در موقعیت اقتصادی شهر اهمیت دارند و چطور می‌توان خلاقیت را با رویکردهای فرعی، ساختگی (ترکیبی) و سخت‌گیرانه به‌منظور کمک به حل مسائل گوناگون شهرها بکار گرفت.

فصل اول شرح می‌دهد که چه چیز جدیدی، بحران‌هایی را که بسیاری از شهرها با آن روبه‌رو هستند به هم مرتبط می‌سازد. ضمناً می‌خواهیم بدانیم که خلاقیت چیست و چطور می‌توان خلاقیت را به‌منظور ساختن یک شهر برای زندگی بهتر به کار گرفت.

در این اثر آورده شده است که علم برنامه ریزی شهری با به تحرک در آوردن تجارب تحصیلی و پژوهشی متفاوت افرادی که برای تصمیم‌گیری معمولاً در حاشیه قرار می‌گیرند، نیاز به توانمند ساختن دارد. در دو فصل آخر با بیان مثال‌هایی از سرتاسر جهان نشان خواهیم داد که چطور ممکن

است در عمل خلاق بود. چطور می‌توان بر موانع خلاق بودن غلبه کرد و چطور می‌توان یک محیط فرهنگی و اجتماعی خلاق ایجاد نمود.

شهر خلاق^۱ نتیجه‌ی یک دوره طولانی تحقیق و مشاوره بر روی مشکلات و احتمالات شهرهای اروپایی و دیگر شهرهاست. در طول دهه‌های گذشته ما بر روی بیش از صد شهر و شهرک از «استرلینگ» تا خیابان «پیتزبورگ» و «میدلز برو» و «میلان» تا «ملبورن»، «هودرزفیلد» تا «هلسینکی» و «یسینگ استوک» تا «بارسلونا» کار کرده‌ایم.

بسیاری از این آثار در رابطه با توسعه‌ی هنری و فرهنگی و اجتماعی زندگی شهری است. به نظر می‌رسد درسی که ما آموخته‌ایم از اهمیت بیشتری برخوردار بوده است.

در همین اثنا، پروفیسور کلاوس کاترین از دانشگاه رالف ابرت دورتموند و فیتزناد از استادکارت دورتموند توسعه‌ی محلی و شهری را، به‌ویژه در منطقه روهر - جایی که تغییراتی چشمگیر از خدمات سنتی به خدمات و صنایع مدرن تکنولوژیکی رخ داده است - تحلیل می‌کردند.

تجارب مشترک ما نشان می‌دهد که یک روش جدید تفکر که فراتر از حرفه‌ی قراردادی خاصی باشد مورد نیاز است. تفکری که از طریق آموزه‌ها و تجارب آن از کشور انگلستان برای شهرهای آلمان هم مفید باشد و بالعکس.

به نظر می‌رسید که ویژگی‌های کلی دو کشور مهم باشد زیرا خلاصی از مشکلات شهری هر دو کشور از قبیل مشکلاتی مانند مدیریت ترافیک، توسعه‌ی اقتصادی، ایجاد فضای سبز شهری، تلفیق جوامع قومی، شروع به

کار محوطه‌های ساختمانی و ساخت و سازهای نیمه کاره و دمیدن روح تازه به مرکز شهرها متضمن پاسخ خلاقانه‌ای است.

در ماه می ۱۹۹۴ در شهر گلاسکو به‌عنوان اولین قدم در یک پروژه‌ی طولانی تحقیقی و علمی و مقدماتی که خلاقیت بالقوه‌ی شهرهای سرتاسر دنیا را بررسی می‌کرد اقدام به ایجاد کارگاه شهر خلاق نمودیم و همچنان کار بر روی شهر خلاق با تعدادی از همکاران ادامه دارد. یک کارگاه چهار روزه که سالی یک‌بار در مدرسه‌ی تابستانی «آمستردام» برپا می‌شود. یک گروه از شهرها از قبیل هلسینکی، منچستر و ملبورن به‌عنوان عضوی از شبکه‌ی شهرهای خلاق که توسط CTI شهر خلاق مقدماتی در هودرزفیلد که با الهام از چاپ اولیه‌ی کتاب برپا شده بود، با همدیگر هماهنگ شدند. CTI در حال حاضر به‌عنوان پروژه‌ی شهری توسط اتحادیه اروپا تأسیس شده است و طیف وسیعی از پروژه‌هایی که توسط ایده‌های این کتاب راه انداخته شده است را در بر می‌گیرد.

این پروژه‌ها شامل اطلاعاتی از سرتاسر دنیا در مورد راه حل‌های خلاق برای مشکلات شهری است.

آغاز یک پروژه جدید، تأسیس بانک جدید سرمایه‌گذاری به نام سرمایه وزارت سرمایه‌گذاری خلاق، شیوه‌های جدید کارآموزی برای افراد بیکار از طریق توسعه‌ی برنامه‌های خلاقانه و خدمات پیشنهادی برای نواندیشان، از جمله این موارد است.

بحران‌های شهری و نقش خلاقیت در شهرها

چرا در مورد خلاقیت در ارتباط با شهرها صحبت می‌کنیم؟ پاسخ این امر تا حدی روشن است. از لحاظ تاریخی خلاقیت در واقع همیشه عامل

حیاتی شهرها بوده است. شهرها برای اینکه بتوانند به عنوان مرکز خرید و تجارت و تولید با حجم عظیمی از سرمایه گذاران، هنرمندان و اندیشمندان، دانشجویان، مدیران و کارگزاران فعالیت کنند همیشه نیازمند نوآوری بوده‌اند. شهرها غالباً مکان‌هایی بوده‌اند که نژادها و فرهنگ‌های مختلف در هم می‌آمیزند، جایی که این تعاملات ایده‌های جدید و مصنوعات و مؤسسات را می‌سازد. شهرها جایی هستند که اجازه می‌دهند مردم عقایدشان، نیازها و رویاها، طرح‌ها و تعارضات، خاطرات و نگرانی‌ها، علایق، دل مشغولی‌ها و ترس‌هایشان را بروز دهند؛ اما دلایل خاصی برای تفکر در مورد مسائل شهرهای امروزی به شکل خلاقانه یا بدون آن وجود دارد. امروزه بسیاری از شهرهای جهان با دوره‌ای سخت از تغییر و جابه‌جایی روبه‌رو هستند. صنایع قدیمی در حال کنار رفتن هستند و ارزش افزوده، کمتر از طریق تولیدات دست ساز و بیشتر از طریق کاربرد دانش جدید تولیدات و خدمات و فاکتورهایی که توسعه‌ی شهری را شکل می‌دهد، ایجاد می‌شود. امروزه دیگر مباحثی مانند حمل و نقل، رودها، مجاورت به مواد خام کمتر مطرح هستند. در حال حاضر امر توزیع می‌تواند از بیرون از مراکز شهری مدیریت شود. اکنون حمل و نقل نسبت کمتری از کل هزینه‌ی تولید را در بر می‌گیرد. کارخانجات می‌تواند بر روی زمین‌های زراعی بنا شود. اشکال جدید مشکلات در برنامه‌ی کاری ما پدیدار شده است. بخشی به علت رو به زوال رفتن آهنگ قدیمی مشترک بین زندگی و کار، بر مبنای کارخانه و اداره، جرم و امنیت، غلبه‌ی جهانی شدن و اطلاعات فوری و بهبود کیفیت محیط زندگی روزمره، سرانجام به‌مانند هر زمان دیگری نیاز مبرمی به تغییر وجود دارد تا از روش‌های قدیمی کاری فراتر برویم؛ اما دلایل دیگری وجود دارد که چرا خلاقیت در هر تفکری در مورد شهرهای قرن آینده به عنوان یک اصل اساسی

مطرح می‌باشد. از آن جایی که غالب صنایع در قرن نوزدهم و بیستم به مواد خام و صنعت، علم و تکنولوژی وابسته بودند، صنایع قرن بیست و یکم به‌طور فزاینده‌ای به تولید علم از طریق خلاقیت و نوآوری و به‌طور برابر با سیستم کنترل دقیق بستگی دارند و به همان مقدار که کارگزاران درگیر تجارت هستند به همان مقدار برنامه سازان تلویزیون و برنامه نویسان کامپیوتر و حتی کارگردانان تئاتر برای رسیدن به موفقیت در تمامی عرصه‌ها نیازمند خلاقیت و ارتباط میان رشته‌ای و تفکر همه جانبه هستند، کیفیت‌هایی که ترویج آن‌ها نیازمند محیط شهری پشتیبان است. در بازی رقابت در شهرها، پایه ریزی شرکت‌ها و مؤسسات دانش بنیان از قبیل دانشگاه‌ها و مراکز تحقیق و یا صنایع فرهنگی از اهمیت استراتژیکی جدیدی برخوردار است. به نظر می‌رسد رقابت بین ملت‌ها و مؤسسات بازرگانی در آینده بیشتر بر پایه منابع طبیعی و موقعیت یا معروفیت و یا بیشتر بر توانایی توسعه‌ی تصاویر جذاب و نمادها و سمبل‌ها و پروژه‌ها خواهد بود. عملاً مراحل بازسازی جدید شهری می‌تواند به خودی خود یک چشم انداز شود. همان‌طور که دیویدهاروی گفته: «زیبایی شناختی می‌آید که جایگزین ارزش‌های اخلاقی در برنامه ریزی شهری معاصر شود». بسیار تعجب برانگیز است که بسیاری از روش‌های قدیمی‌تر تفکر در مورد شهرها با روند تغییر پیش نمی‌روند؛ اما مشکل این است که نمی‌توان به‌سادگی یک سری از الگوهای ساده را با یکدیگر جایگزین کرد. در عوض ما نیاز داریم که راه‌های تفکر موجود یا ساختارهای فکری جدید و روش‌های اضافی برای غلبه بر تغییر را کامل کنیم. البته شهرها همیشه جایی برای فرصت‌ها، مشکلات و تغییرات و بحران‌ها بوده‌اند. در بسیاری از مواقع چالش‌هایی مثل شلوغی، بیماری، بی‌نظمی اجتماعی، اختلاف بر سر زمین و فقدان شالوده و بنیان که از آن‌ها

صرف نظر شده بود، با روش‌های خلاقانه مهار شده‌اند. در دوره‌ای پس از انقلاب صنعتی اولویت بر رسیدگی به مشکلات دست اول با ایجاد زیربناهای اساسی مانند سیستم فاضلاب به منظور جلوگیری از بیماری و بهبود بهداشت عمومی، خانه سازی به منظور اسکان افراد، جاده‌ها و راه آهن برای افزایش جابجایی مردم و کالاها بود. آنچه که بعداً مورد نیاز بود خلاقیت ویژه مهندسين و برنامه ریزان و دانشمندان بود. در بسیاری مواقع دستاوردها بسیار چشمگیر بودند. با نگاهی مقایسه گر می‌توان دید به وجود آمدن کلان شهرها در شرق، آفریقا و آمریکای لاتین نشان می‌دهد شهرهای غربی بر بسیاری از مشکلات اساسی زندگی شهری از قبیل حمل و نقل عمومی مناسب و کنترل بسیاری از بیماری‌ها و کنترل جمعیت فائق آمده‌اند. در قرن حاضر راه حل‌های اساسی با الهام از مؤلفانی چون «پاتریک گدس»، «لوئیس مامفورد» یا «جین جاکوبز» بر اساس نظریه‌ی چطور می‌توان شهری خوب را ایجاد کرد، یک قدم به جلوتر رفته است. آن‌ها نه تنها بر اینکه ممکن است یک شهر چطور به‌طور فیزیکی شکل گیرد، بلکه همچنین بر اینکه چه کاری می‌توان برای بهبود تجارب زندگی مردم شهرنشین انجام داد، تأکید می‌کنند. هنوز وقتی این ایده‌ها به وسیله ایجاد برنامه ریزی حرفه‌ای ادامه می‌یابد این برنامه ریزی‌ها، با چشم پوشی از آثار روان شناختی بسیار ظریفی که بر روی مردم دارد، با اصطلاحات و عبارات علمی تعبیر می‌شود. گاهی اوقات با خرد کردن مسئله به اجزای کوچک آن می‌توان به پاسخ رسید و یک راه حل علمی ارائه داد. ایده‌ی منطقه بندی به منظور جداسازی صنایع آلوده از منازل مسکونی و تجاری، خط کشی خیابان‌ها به منظور تسهیل رفت و آمد و متناوباً اصلاح زیرساخت‌های الگوهای شهری برای تشویق تعاملات، محدودیت ارتفاع برای حفظ امنیت خطوط هوایی و فضای سبز شهری از این جمله‌اند. با این

وجود اگرچه نظریه پردازان پی برده‌اند که همه چیز در اطراف ما به یکدیگر پیوند خورده‌اند مانند مسیری که ساختمان‌ها و شهرها را در کنار هم می‌گذارد و پیوند می‌زند، بر چگونگی احساس مردم در مورد آن و تغییر شکل گیری عقایدشان، انگیزه‌هایشان و رفتارهایشان تأثیرگذار است؛ اما امروزه تمرکز بر روی مسائل فیزیکی به کنار رفته است. برای مثال: می‌دانیم که خیابان‌ها یا شبکه‌های مخابراتی به خودی خود نوعی محیطی ابتکاری و نوآورانه برای تشویق مردم به تعامل و ارتباط را به وجود نمی‌آورند؛ اما به عبارت دیگر این امر بستگی به ایجاد ظرفیت شرکت بین مؤسساتی مانند دانشگاه‌ها با شرکت‌های محلی برای توسعه‌ی تولید جدید دارد. ما می‌دانیم که مشکلاتی از قبیل جرم و بزهکاری به‌وسیله‌ی کنترل فیزیکی کمتر حل می‌شود، مگر با ایجاد مکان‌هایی که مسئولیت مشترک آن در جوامع با محلات باشد. می‌دانیم که محیط‌های تحمیل‌پذیر ایجاد نخواهند شد مگر اینکه ما نگاهی به ابعاد محیطی بیندازیم. همچنین باید توجه کنیم که چطور مردم با یکدیگر تماس دارند. انگیزه‌هایشان و اینکه آیا آن‌ها مسئولیت‌پذیرند، کجا زندگی می‌کنند و سبک زندگی خود را به شکلی مناسب تغییر می‌دهند. برای بنای شهری که به این سؤالات پاسخ گو باشد باید چگونگی ایجاد محیط پیرامون و زیرساختی را ارزیابی کنیم، امری که نیازمند مهارت‌های مختلفی از طرف برنامه ریزان به‌منظور ارائه راه حل‌ها می‌باشد.

همچنان که نویسنده بیان می‌دارد: به نظر می‌رسد در آینده شهر ما پر از نورها و سایه‌ها باشد. کارمندان اطلاعاتی ممکن است به رشد و ثروت فراوانی دست یابند اما طبقات دیگر فقیر خواهند شد. دوربین‌های ویدیویی ممکن است مطمئن‌کننده باشد اما اتومبیل برای خرید از مراکز خرید حومه‌ی شهرها به ما کمک می‌کند و باعث رونق در حاشیه‌ی شهرها می‌شود